

احیای رویکرد مرجعیت علمی در ایران: دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

میترا حکمت افشار^۱، سهیلا کلانتری^۲، اکرم ثناگو^۳، لیلا مهستی جویباری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: تحقق چشم‌انداز مرجعیت علمی ایران نیازمند نسلی است که عهده‌دار حفظ آن در دنیای رقابتی امروز باشند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان نخبگان امروز و نسل جوان در این راه رسالت بزرگی دارند. مطالعه حاضر با هدف، تبیین دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در مورد دستیابی به مرجعیت علمی در کشور انجام شد.

روش: در این پژوهش که با رویکرد کیفی انجام شد، از ۲۰ دانشجوی دختر و پسر تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به عمل آمد. کلیه مصاحبه‌ها، ضبط، دست‌نویس و مطابق روش «تحلیل محتوا» آنالیز شدند.

یافته‌ها: سه مضمون اصلی و مضامین فرعی متعددی استخراج شد. «حرف آخر علمی را زدن» مضمونی بود که بیانگر معنای مفهوم مرجعیت علمی از دید مشارکت کنندگان در این مطالعه و «استناد دادن، ارجاع دادن و کرسی داشتن در علم» از مضامین فرعی مطالعه بودند. از نظر دانشجویان، کشور در حال حاضر از نظر مرجعیت علمی در مرحله وابستگی علمی می‌باشد. شاهد این مدعا نیز نیاز به استفاده از مطالب ترجمه شده و انتظار برای دستاوردهای علمی خارج از کشور است. «بومی‌سازی علم» مضمون کلیدی دیگری بود که ظهور یافت. «قابل حصول بودن» مضمونی بود که باور شرکت کنندگان را در خصوص امکان دستیابی به مرجعیت علمی می‌داند. داشتن سوابق مرجعیت علمی در گذشته ایران و همچنین داشتن روحیه جهاد علمی در دانشگاهیان و دانشجویان می‌تواند باعث احیای این رویکرد شود.

نتیجه‌گیری: مضامین برگرفته شده از مطالعه حاضر طیفی از دیدگاه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی را نشان می‌دهد. در یک سو طیف عدم مرجعیت علمی در کشور و در انتهای آن قابل دستیابی بودن قرار دارد. همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند: «مرجعیت علمی بایستی با امید دنبال شود و ان‌شاءاله به نتایج خواهد رسید. یقیناً روزی خواهد رسید که شما ببینید مرجعیت علمی یافتن دانشگاه‌های ایران و دانشمندان ایران چیز دور از دسترس نیست؛ خیلی نزدیک به شماست. شما جوان‌ها یقیناً این را خواهید دید». داده‌های این مطالعه می‌تواند در راستای اهداف سند راهبردی رسیدن به مرجعیت علمی ایران باشد.

کلید واژه‌ها: مرجعیت علمی، دانشجویان علوم پزشکی، بومی‌سازی علم، جهاد علمی

ارجاع: حکمت افشار میترا، کلانتری سهیلا، ثناگو اکرم، مهستی جویباری لیلا. احیای رویکرد مرجعیت علمی در ایران: دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۲؛ ۲ (۲): ۱۳۳-۱۲۵.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۲

قرار داده و در دو بند دوم و ششم به ترتیب ایران را «برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن‌آوری» و «دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه آسیای

مقدمه

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به عنوان ترسیمی از آینده مطلوب جامعه ایرانی، موضوع علم و فن‌آوری را مورد توجه جدی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پرستاری مراقبت‌های ویژه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

۲- کارشناس ارشد، گروه آموزش پرستاری، دفتر پرستاری، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی گلستان، گرگان، ایران

۳- دانشیار، مرکز تحقیقات پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

Email: m.hekматаfshar@yahoo.com

نویسنده‌ی مسؤول: میترا حکمت افشار

در عبارت «مرجعیت» به معنای محل رجوع قرار گرفتن نیز می‌توان به آن پی برد، به چند عبارت از مقام معظم رهبری اشاره می‌نماییم:

- ۱- شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فن‌آوری در همه دنیا باشد.
- ۲- هدف اصلی از روند حرکت علمی کشور، تبدیل ایران به مرجع علمی جهان است و این آرزوی بزرگ به همت دانشمندان و دانشجویان این سرزمین، محقق خواهد شد.
- ۳- هدف را این قرار بدهیم که پنجاه سال بعد، کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه علمی دنیا باشد؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود مجبور شود زبان ملی شما را یاد بگیرد. ۴- امروزه هر حرکت علمی و تحقیقی که بخواهد در علوم مختلف در کشور انجام بگیرد، استادکار و محققان می‌توانند ده‌ها، صدها و هزارها ذهن آماده برای افتادن در این کار را پیدا کنند. ۵- کشور ما با ملت مؤمن خود - که در جهت علم و فن‌آوری هم پیشرفت می‌کند- باید الگویی بشود از توانایی و اقتدار و پیشرفت تا مسلمانان دنیا را تشویق و نام اسلام را بلند کند و ۶- توقعم از جامعه علمی کشور تا پنجاه سال دیگر این است که صادر کننده علم به دنیا باشیم و این امری است که محال نیست (۴).

برخی مرجعیت علمی را واژه‌ای می‌دانند که مصداق آن در دوران مختلفی روی داده است. برای مثال سه دوره تاریخی «علم کهن یا فلاسفه یونان، دوران تمدن اسلامی و دوره علوم جدید غربی» برای مرجعیت علمی مطرح می‌شود (۵). فراز و فرود مرجعیت علمی در ایران را نیز می‌توان مبتنی بر این مصداقیابی بررسی نمود. قله تاریخ مرجعیت علمی ایران، دوران شکوفایی علمی ایران و ظهور تمدن اسلامی است و سپس به تناسب اوضاع ایران فراز و فرودی در وضعیت علمی ایران صورت می‌پذیرد (۶). مرجعیت علمی در ذهن هر فرد شبکه معنای ویژه‌ای را فعال می‌سازد و مفاهیمی که مرجعیت علمی را شکل می‌دهند، بی‌تردید شیوه تعامل با این پدیده را رقم می‌زنند (۵).

مرجعیت علمی اول بار توسط مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و استادان دانشگاه امام صادق (ع) در سال

جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» در افق سال ۱۴۰۴ معرفی می‌کند. بخش علم و فن‌آوری به عنوان عامل مؤثر در تمام شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقش کلیدی و محوری در تحقق این چشم‌انداز دارد (۱). مرجعیت علمی و فن‌آوری ایران در پنجاه سال آینده طرح موضوعی همراه با خیال‌پردازی و رؤیاسازی نیست، بلکه ترسیم واقعیتی است که بر اساس سند چشم‌انداز و با عزمی راسخ و استوار از مردم و مسؤولین کشور در آینده‌ای نه چندان دور برای این مرز و بوم به وجود خواهد آمد (۲).

مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران، با تکیه بر این نکته که قشر دانشجوی هم در زمان حال و هم نسبت به آینده نقش‌آفرین است و با توجه به این‌که دانشگاه محل تربیت مهم‌ترین سرمایه کشور (یعنی نیروی انسانی) می‌باشد، دانشگاه را مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت و توسعه کشور معرفی کردند. ایشان با تأکید بر ضرورت دستیابی به عزت علمی، هدف نهایی و غایی در جریان علم و تحقیق را دستیابی به مرجعیت علمی در سطح جهان مطرح کردند و فرمودند: «همین طور که شما امروز ناچارید برای علم و دستیابی به محصولات علمی به دانشمندی، به کتاب‌هایی مراجعه کنید که مربوط به کشورهای دیگرند، باید به آن‌جا برسیم که جوینده دانش، طالب علم، مجبور باشد بیاید سراغ شما، سراغ کتاب شما؛ مجبور باشد زبان شما را یاد بگیرد تا بتواند از دانش شما استفاده کند. هدف باید این باشد». مقام معظم رهبری اولین زمینه و مقدمه دستیابی به مرجعیت علمی را خودآگاهی و خودباوری دانستند و فرمودند: «همین خودآگاهی ماست که باعث می‌شود احساس کنیم که باید و احساس کنیم که می‌توانیم» (۳).

از این‌رو مطالعه و پژوهش در خصوص سند چشم‌انداز و مرجعیت علمی و واکاوی عوامل، بسترها، ضرورت‌ها، شاخص‌ها و راهکارهای این مسأله باعث تسهیل و تسریع در روند رسیدن به این هدف ملی شده و ترسیم این افق را ملموس می‌نماید (۲).

برای تبیین بهتر معنای مرجعیت علمی که البته از تأمل

توانمندی‌های همه جانبه اعضای هیأت علمی و ۱۲- اعتقاد به فرهنگ جوان‌گرایی (۸).

گودرزی و رودی گروه علمی را متشکل از استاد و دانشجو می‌دانند که پژوهش و آموزش در آن غیر قابل تفکیک است، همچنین دانشجو بنیان وجود دانشگاه و دانش‌آموخته حاصل تمام تلاش‌های دانشگاه است (۵). در مورد مفهوم دانشجو محوری که منشأ گرفته از مقوله «محور مرجعیت علمی» (۵) می‌باشد، دانش کافی در دسترس نمی‌باشد.

از آنجایی که تحقیق کیفی روشی برای کسب بینش و بصیرت از طریق اکتشاف معانی است (۸) و در جایی که دانش اندکی درباره مسأله مورد مطالعه وجود داشته باشد، روش مطالعه کیفی مناسب می‌باشد (۹) و همچنین با توجه به این که در بررسی متون انجام شده در زمینه مفهوم مرجعیت علمی و دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در خصوص آن مطالعه کیفی یافت نشد، هدف از این مطالعه آن بود تا دیدگاه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در خصوص عوامل احیای رویکرد مرجعیت علمی مورد بررسی قرار گیرد.

روش

در این تحقیق از روش پژوهش کیفی تحلیل محتوا استفاده شد. پژوهش کیفی، رویکرد هوشمند و ذهنی برای توصیف تجربیات زندگی و معنی دادن به آن‌ها و وسیله‌ای برای جستجوی عمق، معنا و پیچیدگی موجود در پدیده‌ها می‌باشد. عرصه مورد مطالعه دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۸۹ بود که حدود ۱۵۰۰ دانشجو در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در آن مشغول به تحصیل بودند و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) حدود ۴۵ نفر بودند. مشارکت کنندگان در این مطالعه، ۲۰ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌های پرستاری، آناتومی، میکروبی‌شناسی و بیوتکنولوژی پزشکی بودند که با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (Purposeful) - که شیوه مناسبی جهت پژوهش‌های کیفی می‌باشد- انتخاب شدند. در روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، محقق در پی افرادی

۱۳۸۴ عنوان گردید. گرچه در اولین نگاه این‌گونه به نظر می‌رسد که همگان مفهوم واحدی از این واژه در ذهن دارند، ولی افراد مختلف در مقاطع مختلف علمی و دانشگاهی از جمله استادان، دانشجویان و رشته‌های مختلف علمی، بخشی از مفهوم را مورد توجه قرار می‌دهند و درک می‌نمایند. مرجعیت علمی واژه‌ای بدیع است که رهبر معظم انقلاب از آن معنی ویژه‌ای را در نظر دارند. معانی متعددی مانند «ایجاد بنای مستقل علمی با استفاده از مواد آن در میراث علمی، فرهنگی، دینی، استفاده دنیا از نظرات ما که با جستجوی مطلبی علمی آن را در دانشگاه‌های ما بیابند نه این که در مقایسه با فلان دانشگاه رتبه بیشتری را به دست آوریم» (۱). مطالعه‌ای که توسط گودرزی و رودی در تبیین مرجعیت علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی انجام شد، مرجعیت علمی به عنوان شبکه‌ای از مفاهیم و در قالب ۷ مقوله و ۲۵ مفهوم قابل بازشناسی است (۵). یکی از ۷ مقوله بازبایی شده در این مطالعه «محور مرجعیت علمی» در قالب سه مفهوم استاد محوری، مسأله محوری و دانشجو محوری می‌باشد (۵).

پژوهشی که توسط قمی و همکاران انجام شد، تنها مطالعه‌ای بود که به بررسی عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز پرداخته شده بود. در این مطالعه توصیفی، تحلیلی و پیمایشی، جمع‌آوری اطلاعات از طریق ۳۰۰ پرسش‌نامه به صورت تصادفی ساده بین استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت. بر اساس یافته‌های این مطالعه، میانگین امتیازات و اولویت‌بندی استادان به ترتیب زیر به دست آمدند (۷):

- ۱- گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا،
- ۲- تقویت روحیه انتقادپذیری ۳- دستیابی به علم و دانش پیشرفته،
- ۴- رونق دادن به نشریات علمی، ۵- توجه بیشتر به پروژه‌های تحقیقاتی و تبدیل آن‌ها به علم و فن‌آوری
- ۶- اختصاص اعتبارات کافی برای طرح‌های تحقیقاتی،
- ۷- توسعه فرهنگ خودباوری، ۸- ایجاد نشاط علمی،
- ۹- گسترش پژوهش در عرصه کاربردی و توسعه‌ای،
- ۱۰- گسترش خدمات علمی- تخصصی، ۱۱- ارتقای

به رؤیت مشارکت کنندگان رسید و میزان تجانس ایده‌های استخراج شده محقق از داده‌ها با نظر مشارکت کنندگان مقایسه گردید) استفاده شد. همچنین تأییدپذیری یافته‌ها با کنترل توسط ناظران خارجی آشنا به تحقیق کیفی سنجیده شد؛ به این معنی که بخش‌هایی از متن مصاحبه به همراه کدهای مربوط و طبقات پدیدار شده توسط دو ناظر آشنا به تحقیق کیفی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. جهت انتقال‌پذیری یافته‌ها سعی شد نقل قول‌های مشارکت کنندگان به همان صورتی که گفته شده بود، ارایه گردد.

ملاحظات اخلاقی

اصول اخلاقی پژوهش در این مطالعه شامل کسب رضایت شفاهی آگاهانه جهت شرکت در مطالعه، توجه به حریم خصوصی افراد، محرمانه نگهداشتن اطلاعات، داشتن حق کناره‌گیری مشارکت کنندگان از پژوهش در هر زمان دلخواه و همچنین کسب اجازه ضبط شدن مصاحبه‌ها از شرکت کنندگان بود.

یافته‌ها

در مجموع از ۲۰ مشارکت کننده، ۲۲ مصاحبه به عمل آورده شد که منجر به تولید ۳۷۰ کد بدون احتساب هم‌پوشانی گردید و با احتساب هم‌پوشانی و ادغام آن‌ها به منظور کدگذاری دقیق‌تر و تسهیل در روند پژوهش، ۹۵ کد باقی ماند که در ۱۵ زیرطبقه قرار گرفتند. سپس فرایند تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم ادامه یافت؛ به طوری که زیرطبقات و کدهای زیرطبقات با یکدیگر بر اساس تشابه، تطابق و تناسب مقایسه شده و موارد مشابه به صورت یک طبقه یا کد نوشته شد.

به عنوان مثال، زیرطبقات «استناد دادن، ارجاع دادن و کرسی داشتن» همگی بر اساس تشابه، تطابق و تناسب حول محور مشترکی به نام «حرف آخر علمی را زدن» قرار گرفتند و کدهای «علم دیگران، علم غربی، فرهنگ ایرانی و علم غربی» بر اساس تشابه، تطابق و تناسب همه حول محور مشترکی به نام «بومی‌سازی علم» قرار گرفتند و کدهای «باور داشتن، کاردان بودن، افراد عالم داشتن و کشوری با پیشینه علمی» بر اساس تشابه، تطابق و تناسب همه حول

است که دارای تجربه غنی از موضوع مورد تحقیق باشند. مشارکت کنندگان از بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، بر اساس سه ملاک اصلی (دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد یا بالاتر، تمایل به شرکت در مطالعه و توانایی بیان تجربیات خود) انتخاب شدند. هر مصاحبه ۲۰-۴۰ دقیقه به طول انجامید و جلسات مصاحبه بین یک تا دو جلسه متغیر بود. ۲۰ دانشجو در مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته شرکت نمودند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع کامل داده‌ها یا تا جایی که دیگر با ادامه مصاحبه، داده جدیدی استخراج نشد، ادامه یافت. کلیه داده‌ها ضبط و کلمه به کلمه دست‌نویس شدند. ویژگی‌های فردی (سن، جنس، ترم تحصیلی و رشته) نیز ثبت گردید. مصاحبه با حداقل یک سؤال باز شروع شد «وقتی می‌گویم مرجعیت علمی در ایران چه چیزی به ذهن شما می‌آید؟». ادامه مصاحبه با سؤالات کاوشی صورت گرفت. کلیه مصاحبه‌ها، ضبط، دست‌نویس و مطابق روش «تحلیل محتوا» آنالیز شدند. ملاک اتمام نمونه‌گیری اشباع مفهومی داده‌ها بود. پس از انجام مصاحبه، متن گفتگوها از نوارها، پیاده و چندین بار مرور شدند. در مرحله بعدی، متن نسخه‌برداری شده چندین بار روخوانی و زیر قسمت‌های مهم خط کشیده شد تا از سایر قسمت‌ها متمایز گردند. سپس قسمت‌های مهم به کوچک‌ترین واحد معنی‌دار خود شکسته شد. داده‌های کم‌ارتباط و بی‌ربط کنار گذاشته شد. مضمون‌ها با توجه به تکرار و معنای خود در دسته‌هایی قرار گرفتند که نام این دسته‌ها نشانگر محتوای آن و بیانگر منظور مشارکت کنندگان بود. دسته‌ها چندین بار مرور و دسته‌های مشابه در یکدیگر ادغام شدند. در نهایت پژوهشگران و مشارکت کنندگان درباره معنای داده‌ها و آنچه در قالب مضامین اصلی و فرعی، دسته‌ها، محتوا و نام آن‌ها نمود یافته بود، به توافق رسیدند. برای اطمینان از صحت و پایایی داده‌های کیفی از معیارهای دقت علمی مانند اعتبار و قابلیت تأیید Lincoln و Guba استفاده گردید (۱۰).

جهت تعیین اعتبار از درگیری طولانی مدت محقق با موضوع تحقیق و داده‌ها و کنترل توسط خود مشارکت کننده‌ها (یعنی بخشی از متن مصاحبه همراه با کدهای اولیه

محور مشترکی به نام «قابل حصول بودن» جای گرفتند. از تحلیل داده‌ها سه مضمون اصلی و مضامین فرعی متعددی استخراج شد. «حرف آخر علمی را زدن» مضمونی بود که بیانگر معنای مفهوم مرجعیت علمی از دید مشارکت کنندگان در این مطالعه است. «استناد دادن، ارجاع دادن و کرسی داشتن در علم» از مضامین فرعی استخراج شده بود. یکی از دانشجویان مفهوم مرجعیت علمی را در قالب مثالی این گونه بیان کرد: «وقتی شما می‌گویید مرجعیت علمی به یاد قدیما می‌افتم... مردم وقتی می‌خواستند در مورد رشته مذهبی خود چیزی یاد بگیرند یا به درجه‌ای برسند حرف آخر را نجف می‌زد... افراد عالم آن‌جا هستند و مرجعیت علم و مذهب هم در آن‌جاست. در واقع نجف کرسی این مطالب است. ما باید به حدی برسیم که نهایت یک علم را داشته باشیم، یعنی هر چیزی که می‌خواهند در آن زمینه از ما بپرسند و ما راه حل آن را داشته باشیم».

دانشجوی دیگری در پاسخ به مفهوم مرجعیت علمی این گونه گفت: «یک زمانی همان ابوعلی سینا که در آن زمان و حتی الآن هم کتاب‌های شفا و قانونش در دانشگاه‌های دیگر هنوز رفرنس است را داشتیم».

از نظر دانشجویان، کشور در حال حاضر از نظر مرجعیت علمی در مرحله «وابستگی علمی» می‌باشد. شاهد این مدعا نیز نیاز به استفاده از مطالب ترجمه شده و انتظار برای دستاوردهای علمی خارج از کشور است.

یکی از دانشجویان این طور بیان کرد: «در ایران مرجعیت علمی از نظر پرستاری وجود ندارد. از نظر آموزش، راه و روش آموزش و کتاب و مطالب همگی مال کشورهای خارجی است و از آن‌ها می‌آید و ترجمه می‌شود و در نهایت همان‌ها به دانشجو گفته می‌شود. رفتار با بیمار هم همین طور... چیزی از خودمان نداریم؛ چرا که وقتی وارد محیط کار می‌شویم با چیزهای سختی مواجه می‌شویم. گاه دانشجویان می‌گویند این شکاف بین تئوری و بالین است، ولی شاید این موضوع مربوط به شکاف تئوری و بالین به آن معنایی که ما فکر می‌کنیم نباشد، بلکه علت این است که این دانش به درد فرهنگ ما نمی‌خورد و مال ما نیست و از خودمون گرفته نشده است، باور

خودمون نیست و مریض‌های ما نیستند».

دانشجوی دیگر دیدگاه خود را در مورد تولید علم این گونه بیان کرد: «خوب خیلی فرق می‌کند که آدم تولید کننده علم باشد یا دنباله رو علم... ما داریم توی پایان‌نامه‌ها مون می‌گردیم ببینیم بقیه چه کاری انجام داده‌اند بعد ما یک نوآوری در کار خودمون بیاریم».

«بومی‌سازی علم» مضمون کلیدی دیگری بود که ظهور یافت. از نظر مشارکت کنندگان، مفاهیم علمی برگرفته شده از دیگران برای ما قابل اجرا نیست و با فرهنگ و اعتقادات بیماران ما مطابقت ندارد.

دانشجویی در خصوص استفاده از منابع غیر ملی به عنوان کتاب مرجع بیان کرد: «بیزهای بیمار ما با بیمار آن‌ها فرق می‌کند و خوب مسلماً کتاب آن‌ها برای خودشان بهتر است. بهتر است که ما خودمان رفرنس یک علمی باشیم که مطابق با فرهنگ و اعتقادات خودمان باشد و از آن استفاده کنیم».

دانشجویی دیگر چنین گفت: «تئوری‌های مدیریتی هم مال کشورهای خارجی است و اگر به عنوان یک مدیر بخواهید تئوری‌های مدیریت آن‌ها را اجرا کنید نمی‌توانید؛ چون با فرهنگ مردم ما سازگار نیست. آن علم مال آن‌ها است و خودشان آن را ساخته‌اند».

«قابل حصول بودن» مضمونی بود که باور شرکت کنندگان را در خصوص امکان دستیابی به مرجعیت علمی نشان می‌داد. یکی از دانشجویان گفت: «زمانی ما بوعلی سینا را داشتیم که هنوز هم کتاب‌هایش در دانشگاه‌های معتبر دنیا رفرنس است، الآن هم اگر به خودمان برگردیم و تلاش کنیم می‌توانیم به اعتبار علمی دوران قدیم خود برسیم، الآن هم بسیاری از ایرانیان جزء دانشمندان بزرگ جهان هستند».

نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر این بود که داشتن سوابق مرجعیت علمی در گذشته ایران و همچنین داشتن روحیه جهاد علمی در دانشگاهیان و دانشجویان می‌تواند باعث احیای این رویکرد شود.

بحث

مضامین برگرفته شده از این مطالعه طیفی از دیدگاه‌های

همکاران (۷) نخستین عامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز، گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا بوده است و آنان دستیابی به علم و دانش پیشرفته را سومین عامل دستیابی به مرجعیت علمی دانسته‌اند. این دو یافته می‌تواند تأییدی بر نظر شرکت کنندگان در مطالعه حاضر باشد. به نظر می‌رسد استادان بر این باور هستند که با استفاده از نظرات محافل علمی دنیا علاوه بر این که از آخرین دستاوردهای علمی دانشگاه‌های پیشرفته استفاده می‌شود، می‌توان گام‌هایی در جهت دستیابی به مرجعیت علمی نیز برداشت. در مطالعه گودرزی و رودی نیز که با هدف، تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی انجام شد، در مقوله اول از یافته‌ها ذکر شده است که مرجعیت علمی به پیشگامی، برتری و اول بودن در عرصه علم برمی‌گردد. مرجع علمی با تمرکز بر حوزه علمی سعی در استفاده از فرصت‌ها دارد تا بتواند با استفاده از قابلیت‌های خود، مزیت نسبی خود را تبدیل به مزیت رقابتی کند تا نهاد علمی متحمل هزینه فرصت از دست رفته نشود (۵). این دیدگاه با مطالعه قمی و همکاران (۷) که معتقد به استفاده از محافل برتر علمی دنیا بودند همخوان به نظر می‌رسد، با این وجود برای مقایسه دیدگاه استادان و دانشجویان علوم پزشکی در خصوص مرجعیت علمی به مطالعات کمی و کیفی بیشتری نیاز می‌باشد.

علم دیگران، علم غربی، فرهنگ ایرانی و علم غربی بر اساس تشابه، تطابق و تناسب همه حول محور مشترکی به نام «بومی‌سازی علم» قرار گرفتند که مضمون کلیدی دیگر مطالعه بود.

در مطالعه قمی و همکاران رونق دادن به نشریات علمی، توجه بیشتر به پروژه‌های تحقیقاتی و تبدیل آن‌ها به علم و فن‌آوری، گسترش پژوهش در عرصه کاربردی و توسعه‌ای و ارتقای توانمندی‌های همه جانبه اعضای هیأت علمی که به ترتیب بخشی از عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان را تشکیل دادند (۷). این اقدامات فرایندهایی می‌باشند که موجب تولید و اشاعه محصولات علمی ساخته و پرداخته فرهنگ بومی می‌شوند، بنابراین می‌توانند جهت ارتقای

دانشجویان تحصیلات تکمیلی را نشان می‌دهد. در یک سو طیف عدم مرجعیت علمی در کشور و در انتهای آن قابل دستیابی بودن قرار دارد. همان طور که مطالعات نشان می‌دهد، ایران در زمانی در مقاطع مختلف تاریخی در مباحث مختلف به عنوان مرجع شناخته می‌شد و دانشمندان ما در گذشته از این بابت مورد توجه بودند و احیای این وضعیت و احیای این رویکرد شدنی است. شرکت کنندگان در مطالعه نیز به خلأ ناشی از عدم مرجعیت علمی در رشته خود اذعان داشتند.

در راستای دستیابی به مرجعیت علمی، مقام معظم رهبری طی بیاناتی در سال ۱۳۸۵ فرمودند: «من انتظارم این است که ما پنجاه سال دیگر (نمی‌گویم ده سال، پانزده سال دیگر) در دنیا و در سطح عالم حرف اول علمی را بزنیم، یعنی مرزهای علم را ما تعیین کنیم. کار به جایی برسد که زبان ما - که زبان فارسی است - زبان علم در دنیا بشود» (۱۱).

اولین مضمون استخراج شده از این مطالعه «حرف آخر علمی را زدن» بود. در مطالعه گودرزی و رودی، در اولین مقوله یافت شده حاصل از مطالعه حاصل از تحقیق با رویکرد بنیادی این‌گونه بیان شده است: مرجعیت علمی به پیشگامی، برتری و اول بودن در عرصه علم بر می‌گردد (۵). این یافته با مطالعه حاضر همخوانی دارد. در مطالعه قمی و همکاران، «گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا» بیشترین میانگین امتیاز را در عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز به دست آورد. در این مطالعه از یک پرسش‌نامه چهار گزینه‌ای جهت ارزیابی دیدگاه استادان در خصوص عوامل دستیابی به مرجعیت علمی استفاده شده است (۷) و این پژوهش به تعریف مرجعیت علمی از دیدگاه استادان پرداخته است، بنابراین یافته‌ها قابل مقایسه با مطالعه حاضر نمی‌باشند.

از نظر شرکت کنندگان در مطالعه، کشور در حال حاضر از نظر مرجعیت علمی در مرحله وابستگی علمی می‌باشد که یکی از مضامین استخراج شده از مطالعه بود. از دیدگاه شرکت کنندگان در مطالعه حاضر شاهد این مدعا «نیاز به استفاده از مطالب ترجمه شده و انتظار برای دستاوردهای علمی خارج از کشور» است. این در حالی است که در مطالعه قمی و

بومی‌سازی علم مؤثر باشند.

«قابل حصول بودن» مضمونی است که باور شرکت کنندگان را در خصوص امکان دستیابی به مرجعیت علمی بیان می‌نماید. داشتن سوابق مرجعیت علمی در گذشته ایران و همچنین داشتن روحیه جهاد علمی در دانشجویان و دانشجویان می‌تواند باعث احیای این رویکرد شود. در مطالعه قمی و همکاران، توسعه فرهنگ خودباوری با دستیابی به علم و دانش پیشرفته و ایجاد نشاط علمی رابطه معنی‌داری را نشان داد که نشان دهنده تأثیر توسعه فرهنگ خودباوری بر کسب علم و دانش پیشرفته می‌باشد. همچنین توسعه فرهنگ خودباوری و ایجاد نشاط علمی نشان دهنده تأثیر فرهنگ اعتماد به نفس بر ایجاد شور و نشاط علمی است (۷). این یافته با باور شرکت کنندگان در مطالعه حاضر در خصوص قابل حصول بودن مرجعیت علمی همخوانی دارد.

یافته‌های این مطالعه بیانگر آن است که احیای رویکرد مرجعیت علمی از طریق بومی‌سازی علم قابل حصول می‌باشد. با وجود وابستگی علمی حاضر در کشور بر اساس کلام مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت: «مرجعیت علمی با امید بایستی دنبال شود و ان‌شاءالله به نتایجی خواهد رسید. ایشان فرمودند یقیناً روزی خواهد رسید که شما ببینید مرجعیت علمی یافتن دانشگاه‌های ایران و دانشمندان ایران چیز دور از دسترسی نیست؛ خیلی نزدیک به شماست. شما جوان‌ها یقیناً این را خواهید دید» (۱۲). داشتن سوابق مرجعیت علمی در گذشته ایران و همچنین داشتن روحیه جهاد علمی در دانشجویان و

دانشجویان می‌تواند باعث احیای این رویکرد شود.

نتیجه‌گیری

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران به عنوان ترسیمی از آینده مطلوب جامعه ایرانی به موضوع مرجعیت علمی توجهی جدی داشته است. از آنجایی که یکی از ارکان دسترسی به مرجعیت علمی، دانشجویان و به خصوص دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی می‌باشند، انجام مطالعاتی که دیدگاه این گروه را در خصوص مرجعیت علمی بازگو نماید می‌تواند مفید باشد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، احیای رویکرد مرجعیت علمی از طریق بومی‌سازی علم قابل حصول می‌باشد. این یافته می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان آموزشی در مقطع تحصیلات تکمیلی قرار گیرد.

محدودیت‌ها

مرجعیت علمی واژه‌ای است که از ابعاد وسیعی تشکیل شده است که توجه به تمام مقوله‌های آن در یک مطالعه مقدور نبود. از محدودیت‌های مطالعه می‌توان به کمبود متون مرتبط اشاره کرد که تفسیر داده‌ها را با محدودیت مواجه ساخت. نیاز به مطالعات بیشتر در خصوص دیدگاه استادان و دانشجویان در خصوص مرجعیت علمی به خصوص در حوزه علوم پزشکی ضروری به نظر می‌رسد.

تشکر و قدردانی

از دانشجویان محترم مقطع تحصیلات تکمیلی که در این مطالعه شرکت نمودند، قدردانی می‌شود.

References

1. Bahrami M, Taati M. The Effective Factors on Future of Management of Science and Technology in Iran 1404. Journal of Science and Technology Policy 2009; 2(2): 47-62. [In Persian].
2. Basic indicators in Iran being scientific reference in the future 50 years [Online]. [cited 2010 Nov 22]; Available from: URL: <http://www.imamatjome.com/Articles/ArticlesShow.aspx?Id=768>
3. Abotalebi M. Responsibilities and expectations of teachers and students. [Online]. [cited 2009]; Available from: URL: <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/0/6898/83042>
4. Qomi H, Zadegan A, Alizadeh V, Khodayari MT, Hemmati MA. Evaluation of factors to achieve the scientific reference from the view point of the faculty of Tabriz University of Medical Sciences. Future of Medical Education Journal 2011; 4(3): 51-3.
5. Goodarzi Gh, Roudi K. Interpretation of Scientific Authority for Educational Institutions by Applying Grounded Theory. Journal of Science and Technology Policy 2012; 4(2): 75-89. [In Persian].

6. Bahrami M, Taati M. The Effective Factors on Future of Management of Science and Technology in Iran 1404. *Journal of Science and Technology Policy*. 2009; 2 (2): 47-62.
7. LoBiondo-Wood G, Haber J. *Nursing Research: Methods and Critical Appraisal for Evidence-based Practice*. Louis, Mo: Mosby Elsevier; 2006.
8. Holloway I, Wheeler S. *Qualitative Research in Nursing*. Malden, MA: Wiley-Blackwell; 2002.
9. Lincoln YS, Guba EG. *Naturalistic Inquiry*. Newbury Park, CA: Sage; 1985.
10. Hossienzadeh H. Scientific and technological Authority of Iran in the world in next fifty years. [Online]. [cited 2010 Jun 28]; Available from: URL: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/43943>
11. Kameneie A. Meeting of teachers and students of the University of Science & Technology with The Supreme Leader. [Online]. [cited 2008 Dec 14]; Available from: URL: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>

Archive of SID

Restoring Scientific Authority in Iran: The Perspective of Postgraduate Students in Golestan University of Medical Sciences, Iran

Mitra Hekmatafshar¹, Soheila Kalantari², Akram Sanagu³, Leila Mahasty Jouybary³

Original Article

Abstract

Introduction: In order for Iran to realize its vision of scientific authority it needs a generation to maintain it in this competitive world. Postgraduate students and young intellectuals have an important role in this mission. This study was conducted with the aim of explaining the perspective of postgraduate students of Golestan University of Medical Sciences, Iran, on achieving scientific authority in the country.

Method: This was a qualitative study on 20 male and female postgraduate students of Golestan University of Medical Sciences. Data collection was performed with semi-structured interviews. All interviews were recorded and written, and analyzed using content analysis.

Results: Three main themes and several sub-themes were extracted. The theme that expresses the concept of authority from the view of participants in this study was "to have the last word in science". Sub-themes of the study were "referring to and having authority in science". In the view of the participants, in terms of scientific authority the country is now "in the academic dependence stage". Evidenced by the "need to use translated material and wait for scientific achievements from abroad". Another key theme which emerged was "localization of knowledge". The theme "being attainable" shows the participants' belief in the possibility of achieving scientific authority. Having a history of scientific authority in Iran and the spirit of perseverance of the academics and students can cause the restoration of this approach.

Conclusion: The themes derived from the current study show a range of views of postgraduate students. At one end of the spectrum is the lack of scientific authority in the country and at the other end is being attainable. The supreme leader has said: "scientific authority must be followed with hope, and hopefully will have results. There will certainly be a day when you will see that the scientific authority of Iranian universities and scientists is within our reach. The youth will certainly see this." Data of the present study can be used in order to achieve strategic objectives in reaching scientific authority.

Keywords: Scientific authority, Medical students, Localization of science, Spirit of perseverance

Citation: Hekmatafshar M, Kalantari S, Sanagu A, Mahasty Jouybary L. Restoring Scientific Authority in Iran: The Perspective of Postgraduate Students in Golestan University of Medical Sciences, Iran. J Qual Res Health Sci 2013; 2(2): 125-33.

Received date: 11.04.2013

Accept date: 05.06.2013

1- MSc Student, Department of Critical Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

2- Department of Nursing Education, Nursing office, Deputy of treatment, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

3- Department of Nursing Education, School of Nursing and Midwifery, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

Corresponding Author: Mitra Hekmatafshar, Email: m.hekmatafshar@yahoo.com